



۱۳۸۳ / ۸۰ / ۱

بر اطلاع رسانی و اطلاع رسانی  
معاونت اطلاع رسانی

# مدیریت بحران در دهه نخست جمهوری اسلامی با تاکید بر نقش رهبری امام خمینی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی  
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا تاجیک

استاد مشاور:

دکتر مهرداد حاجی میرعرب

ارائه دهنده:

جواد جمالی

تیرماه ۱۳۸۳

## چکیده

عنوان پایان‌نامه: مدیریت بحران در دهه نخست جمهوری اسلامی با تاکید بر نقش

رهبری امام خمینی

جواد جمالی

نام دانشجو:

دکتر محمدرضا تاجیک

استاد راهنما:

دوره: کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید

بهشتی

تیرماه ۱۳۸۳

تاریخ ارائه پایان‌نامه:

جمهوری اسلامی در نخستین دهه (۶۸-۱۳۵۸) حیات سیاسی خود، بحرانهای متعدد و سرنوشت‌سازی را تجربه نمود. اما بر خلاف انتظارات و پیش‌بینی‌ها، توانست بقای خود را تداوم بخشد. این نظام نوپا که ظاهراً فاقد ظرفیت‌ها و تواناییهای مدیریت بحران بود، چگونه توانست به این مهم پردازد؟

این رساله با تاکید بر «نقش رهبری کاریزما» با طرح این سؤال اصلی که: «نقش رهبری کاریزمای امام خمینی در نحوه تدبیر بحران در این دهه چگونه بوده است؟»، در پی یافتن پاسخی مناسب بر آمده است. در این رساله با طرح این فرضیه که: «رهبری کاریزمای نظام، بحرانها را فرصتی جهت تثبیت نظام سیاسی قلمداد نمود»، با رویکردی جدید نسبت به «بحران» و «فرایند مدیریت بحران» که بر خصیصه «فرصت‌سازی» بحرانها و امکان بهره‌گیری از آن تاکید می‌نماید، به تحلیل و تبیین چگونگی رابطه دو متغیر اصلی پژوهش که «نقش رهبری کاریزما» (متغیر مستقل) و «نحوه تدبیر بحران» (متغیر وابسته) است، می‌پردازد.

این پژوهش با استفاده از نظریه گفتمان (گفتمان مسلط انقلاب) به تحلیل نحوه رفتار و مواضع امام خمینی در هر یک از مراحل بحرانها پرداخته است. براساس یافته‌های این پژوهش، «نقشی» که رهبری کاریزمای انقلاب پس از پیروزی می‌بایست بعنوان «بنیانگذار» نظام سیاسی جدید، ایفا نماید، تأثیری مستقیم بر نحوه رفتار و مواضع وی در قبال بحرانها داشته است و موجب شد که امام خمینی از بحرانها بعنوان فرصتی جهت تحکیم و تثبیت بنیانها و نهادهای نظام جدید، بهره گیرد.

## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	مقدمه
۶	فصل اول: مدیریت بحران: بررسی مبانی نظری
۷	مقدمه
۱۱	بخش اول: تحلیل تئوریک بحران
۱۳	- تعریف و تبیین بحران
۲۸	- انواع بحران
۳۹	- شاخصه‌ها و شناسه‌های بحران
۴۸	بخش دوم: مدیریت بحران
۵۰	- تدبیر و تحدید بحران
۶۸	- تصمیم‌گیری
۸۰	- اطلاعات
۸۴	بخش سوم: رهبری
۸۶	- مفهوم رهبری
۸۹	- رابطه مدیریت و رهبری
۹۱	- رهبری در انقلاب اسلامی
۹۷	نتیجه‌گیری
۱۰۰	پي‌نوشت‌ها
۱۱۱	فصل دوم: مدیریت بحران در ایران
۱۱۲	مقدمه
۱۱۵	بخش اول: مبانی نظری مدیریت بحران در دوره پهلوی
۱۱۸	- پهلویسم در بحران
۱۲۶	- «جزیره ثبات» ایالات متحده؟!

بخش دوم: مبانی نظری مدیریت بحران در دهه نخست جمهوری اسلامی	۱۳۱
- انقلاب اسلامی پس از پیروزی	۱۳۳
- رهبری کاریزما	۱۴۲
- مردم باوری (پوپولیسم)	۱۵۵
- ایدئولوژی انقلابی	۱۶۲
نتیجه‌گیری	۱۷۰
پی‌نوشت‌ها	۱۷۴

#### فصل سوم: نقش رهبری کاریزماتیک امام خمینی در مدیریت بحران‌های دهه اول

مقدمه	۱۸۳
بخش اول: بحران تسخیر سفارت ایالات متحده آمریکا	۱۸۵
- زمینه‌های بحران	۱۸۶
- پیدایش بحران	۱۹۰
- تدبیر و تحدید بحران	۱۹۵
بخش دوم: بحران اختلاف حزبی... و لیبرال‌ها (عزل بنی‌صدر)	۲۰۹
- زمینه‌ها و پیدایش بحران	۲۱۰
- تدبیر و تحدید بحران	۲۱۷
بخش سوم: بحران جنگ عراق و ایران	۲۲۷
- پیدایش بحران	۲۲۸
- تدبیر و تحدید بحران	۲۳۱
- نتیجه‌گیری	۲۵۵
- پی‌نوشت‌ها	۲۵۹
نتیجه‌گیری	۲۶۸
فهرست منابع و مآخذ	۲۷۷

## مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی بعنوان یکی از پدیده‌های غیرمنتظره پایان قرن بیستم که بعنوان نقطه عطفی در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران به شمار می‌رود، تحولات و پیامدهای متعددی را در ایران و جهان به همراه آورد. روی کار آمدن جمهوری اسلامی که در سطح ملی، سقوط نظام شاهنشاهی - بعنوان قدرت منطقه‌ای - و استقرار یک نظام مذهبی همراه با حضور گسترده مردمی را در پی داشت، در سطح منطقه و جهان نیز، منافع و امنیت ملی برخی از کشورها - بویژه ابرقدرت‌های جهانی - را با خطر مواجه ساخت.

این پیامدها موجب شد که وقوع این پدیده حساسیت و توجه ملتها و دولت‌ها را برانگیزد و انتظار را متوجه انقلاب اسلامی ایران نماید. این حساسیت زمانی شدت گرفت که انقلابیون آرمانهای ایدئولوژیک خود را به جهان عرضه نمودند. البته، این وضعیت از پیامدهای ذاتی هر انقلاب است، چرا که آرمان و ایدئولوژی به مثابه نیروی محرکه هر انقلاب عمل می‌نماید. بدین لحاظ انقلابها، آرمانهایی را با خود به همراه دارند که نه تنها انقلابیون را به مبارزه با وضع موجود در سطح ملی، بلکه در سطح جهانی نیز می‌کشاند. انقلاب اسلامی نیز به اقتضای طبیعت ایدئولوژیک محورش، سودای آن بر سر داشت که با نظام «ناعادلانه» جهانی در افتد. در این شرایط واحدهای سیاسی محیط بین‌المللی خصوصاً قدرت‌های جهانی

- در پی آن برآمدند که بحرانا و چالشهای منتشره از نظام انقلابی ایران را به درون آن تزریق نمایند.

در این وضعیت، بحرانا و اختلافات داخلی نیز هر روز رو به گسترش بود. در روند پیروزی انقلاب، هویت‌های مختلف زیر یک گفتمان مشترک گرد آمده و در یک متن ترکیب شده بودند. مبارزه با نظام پهلوی، باعث شد گروه‌های مخالف رژیم در یک همبستگی موقتی گرد هم آیند اما این وضعیت بلافاصله بعد از محو شرایط انقلابی از بین رفت و هر چه از انقلاب فاصله گرفتیم، چسبندگی هویت‌های گوناگون رقیق‌تر شد. تا آنجا که حتی به رویارویی شدید همراهان انقلاب منجر گردید.

واکنش جهانی علیه انقلاب اسلامی در حالی صورت می‌گرفت که بحرانهای درونی نیز، انقلاب را تهدید می‌نمود و بخش عمده انرژی و توان نظام سیاسی برآمده از انقلاب، صرف بحرانهایی که گاه بخشی از نظام - ترورها - و گاهی کلیت نظام - جنگ عراق و ایران - را به چالش می‌طلبید.

در حالیکه در دهه اول انقلاب، نظام همواره با چندین بحران همزمان روبرو بود. جمهوری اسلامی، چالشها، بحرانا و ضربه‌ها را پشت سر گذاشت و با وجود آن بحرانا، تاکنون بقا یافته است و «جمهوری اسلامی ثابت کرد که بیش از آنچه که ناظران خارجی، انتظار داشتند، دام آورده است». چرا؟

چه عاملی باعث شده که هر یک از بحرانهایی که به راحتی می‌توانست یک نظام نوپا را ساقط نماید، موثر نیافتند و جمهوری اسلامی بقا یابد؟ رمز این بقا چه بود؟ کدام تدبیر و توسط کدام تدبیرگر و چگونه توانست، حیات جمهوری اسلامی را تداوم بخشد؟

آنچه در این پژوهش، در جایگاه جواب به این سؤالات قرار می‌گیرد، نقش برجسته‌ای است که رهبری (Leadership) انقلاب در این فرایند، ایفا نموده است. نظام جدید از نیروی رهبری قوی و کارآمد برخوردار بود. رهبری که ۳ وجه لازمه رهبری - کاریزماتیک، سنتی و عقلانی (قانونی) - را با هم دارا بود. «معمولاً رهبری (فرماندهی) واحد در یک سیستم، در مقایسه با مدیریت چندگانه، در مواقع رویارویی با بحران می‌تواند نقش اول را ایفا نماید. چرا که مدیریت هنر ممکن است. اما رهبری هنر تبدیل غیرممکن به ممکن». زمانی که این

موضوع را در ارتباط با یک سیستم سیاسی نوپای انقلابی، بررسی نماییم، نقش رهبری بر ما آشکارتر می‌گردد. در این پژوهش نیز برای بررسی چگونگی حل و فصل و تدبیر بحرانهای دامنگیر نظام در دهه اول، مطلوبست که چگونگی نقشی را که رهبری امام خمینی ایفا نمود، بررسی گردد.

در این پژوهش، مقطع زمانی از استقرار جمهوری اسلامی (۱۲ فروردین ۱۳۵۸) تا رحلت امام خمینی در خرداد ۱۳۶۸، مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف از این پژوهش وقایع‌نگاری دهه نخست جمهوری اسلامی نیست. بلکه در اینجا از زاویه مباحث مدیریت بحران، به نقشی که رهبری امام خمینی به عنوان تدبیرگر، ایفا نمودند، پرداخته خواهد شد. به لحاظ محدودیت پژوهش، صرفاً بحرانهای: الف) تسخیر سفارت آمریکا ب) اختلاف حزباً... و لیبرالها و عزل بنی‌صدر و ج) جنگ عراق و ایران مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد که سطوح آن نیز، سطح تحلیل ملی می‌باشد.

وجود اطلاعات کافی و فراهم بودن زمینه پژوهش در چنین موضوع مهمی که مورد غفلت نیز واقع شده است و همچنین پژوهشهای مختصری که در طی سنوات تحصیلی در برخی از مباحث این پژوهش داشته‌ام از انگیزه‌های انتخاب این موضوع برای پژوهش بوده است.

در بررسی منابع و متون موجود در این موضوع، هیچگونه کتاب و یا رساله‌ای که مستقیماً به این موضوع پرداخته باشد، مشاهده نشد. تنها کتاب موجود که به بررسی و نقد شیوه‌های تدبیر بحران در ایران می‌پردازد، کتاب «مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران»، تألیف دکتر محمدرضا تاجیک می‌باشد.<sup>۱</sup> مؤلف در این کتاب با تشریح بنیانهای نظری مدیریت بحران در سطح ادبیات عمومی مدیریت بحران با رویکردی «پست مدرنیستی و گفتمان محور»، ضمن بررسی مختصر مدیریت بحران در دوره پهلوی تحت عنوان «دوران تسلط دولت بحران مستمر» و همچنین تحلیل رویکردهای امنیتی جمهوری اسلامی در نخستین سالهای پس از استقرار، به مورد شناسی چندین بحران در

<sup>۱</sup> - برای اطلاع از مشخصات این کتاب رجوع شود به «فهرست منابع و مآخذ».

دهه دوم انقلاب می‌پردازد که در آن نحوه رفتار و تحدید و تدبیر این بحرانها مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. هدف اصلی این پژوهش، پاسخ به این سؤال اصلی است: «نقش رهبری کاریزماتیک امام خمینی در نحوه تدبیر بحران در دهه اول جمهوری اسلامی چگونه بوده است؟» در کنار این پرسش اصلی، سئوالهای فرعی زیر را می‌توان مطرح می‌نمود:

۱. هر یک از ابعاد و جوانب بحران شناسی و مدیریت بحران، در محیط ایران در این دهه

چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

۲. مبانی نظری مدیریت بحران در این دهه کدامند؟

۳. مدیریت بحران در نظام پهلوی به چه بنیانهایی نظری و تجربی استوار بوده است؟

۴. رهبری کاریزمای نظام براساس کدام رویکردها و اهداف در جریان بحرانها، به ایفای

نقش پرداخته است؟

این پژوهش، کنکاش و بررسی در سئوالات مذکور را بر پایه سه مفروض ذیل،

می‌پروراند:

۱. هر بحران از لحاظ شکلی و محتوایی تابعی از نظام سیاسی کشور، ماهیت تصمیم

گیرندگان، نوع ارتباط تصمیم گیرندگان و آحاد جامعه، وسایلی که کشور در اختیار

دارد و ایدئولوژی و ارزشهای حاکم بر جامعه می‌باشد.

۲. محیط برآمده از انقلاب، محیطی ایدئولوژیک بوده و هر جامعه انقلابی و ایدئولوژیک

مشرب به اقتضای طبیعت و هویتش بحران‌زاست.

۳. در دهه اول جمهوری اسلامی، به لحاظ همزمانی وقوع بحرانها، نخبگان سیاسی

همواره در مقابل عمل انجام شده واقع می‌شدند که در این حالت «مقام» تصمیم گیرنده

که در شخصیت امام خمینی متبلور شده بود، شرایط «فقدان تصمیم» را به شرایط

«امکان تصمیم» تبدیل می‌نمود.

فرضیه این پژوهش عبارتست از اینکه «در دهه نخستین حیات جمهوری اسلامی، رهبری

انقلاب، بحرانها را فرصتی برای نظام انقلابی و عامل تحکیم و تثبیت نظام قلمداد می‌نمود».

در این پژوهش همچنین به بررسی رابطه دو متغیر اصلی پژوهش که «نقش رهبری

امام» (متغیر مستقل) و «نحوه تدبیر بحرانهای دهه اول انقلاب» (متغیر وابسته) می‌باشد،



پرداخته خواهد شد. و متغیرهای دیگر نیز عبارتند از: اقتدار کاریزماتیک، جامعه انقلابی، ایدئولوژی انقلابی، بنیانگذاری نظام، گفتمان مسلط انقلاب و ارزشهای جامعه.

مفاهیم این پژوهش نیز، رهبری کاریزما، مردم باوری (پوپولیزم)، بحران، مدیریت بحران و تصمیم‌گیری، را شامل می‌شود.

در این رساله تلاش شده است، تا از طریق کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات مورد نیاز این پژوهش پرداخته شود و در صورت نیاز، به مصاحبه‌ها و خاطرات و اسناد این دوره از جمهوری اسلامی نیز رجوع گردد. این پژوهش در پی آنست که با استفاده از روش تحقیق «توصیفی - تحلیلی» به پرسشهای مطرح شده پاسخ داده و به آزمون فرضیه بپردازد. نظریه بکار گرفته شده در این تحقیق «نظریه گفتمان» است که در آن رفتار تصمیم گیرندگان و مردم جامعه در ارتباط با یک گفتمان خاص که بعنوان گفتمان مسلط آن دوره مطرح است، معنا می‌یابد، در هر دوره‌ای گفتمان مسلط است که، نحوه خاصی از عمل را ممکن و توجیه می‌سازد و شامل انواع رفتارهای اجتماعی، سیاسی و همچنین نهادها و سازمانهاست. نحوه رفتار امام خمینی در بحرانهای این دوره نیز نمی‌تواند فارغ از گفتمان مسلط آن مورد بررسی قرار گیرد.

از نظر سازماندهی نیز این پژوهش مشتمل بر ۳ فصل و ۵ بخش می‌باشد: در فصل نخست در قالب ادبیات عمومی مدیریت بحران به بررسی مبانی نظری مدیریت بحران، پرداخته می‌شود. در بخش اول این فصل، با تبیین تئوریک بحران از زوایا و رویکردهای مختلف، شاخصه‌ها و انواع بحران نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم: با بررسی تصمیم‌گیری و اطلاعات که از عناصر تدبیر و تحدید بحران بشمار می‌روند، مدیریت بحران و روشهای مختلف آن از رویکردها و منظرهای مختلف بررسی می‌شود. در بخش سوم: مبحث تکمیلی در ارتباط با رهبری و پیوند آن با مدیریت و همچنین رهبری انقلاب اسلامی، پرداخته می‌شود. در فصل دوم، مبانی نظری مدیریت بحران در ایران در دو بخش دوره پهلوی و دهه اول جمهوری اسلامی تحلیل می‌شود. در فصل سوم این نوشتار نیز نحوه رفتار امام خمینی در ۳ بحران «تسخیر سفارت آمریکا»، «اختلاف حزب‌ها... و لیبرالها» (عزل بنی‌صدر)، و «جنگ عراق و ایران» پرداخته می‌شود. در پایان نیز نتیجه‌گیری پژوهش ارائه می‌گردد.

## فصل اول:

# مدیریت بحران:

**بررسی مبانی نظری**

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

کتابخانه دیجیتال  
پرتال جامع علوم انسانی